

ارتباط روح و بدن از دیدگاه آیات قرآن

محبوبه قاعدی^۱

چکیده

وجود انسان از دو بعد جسم و روح تشکیل شده است که آیاتی از قرآن مجید به این نکته اشاره دارد رابطه روح و بدن و نحوه تعامل این دو با یکدیگر، از دیرباز در زمره مهم‌ترین سؤالات بشر بوده است و هنوز از مشکل‌ترین مباحث فلسفی نفس است. . بررسی این مسأله از منظر آیات و روایات در این تحقیق به روش مطالعات کتابخانه‌ای مورد بحث واقع شده است. در آیات قرآن با این حقیقت روبرو می‌شویم که انسان دارای دو بعد مهم و اصلی، یعنی بعد روحانی و بعد جسمانی است که نوعی تعلق و وابستگی خاصی بین روح و بدن وجود دارد. روح و بدن اثر متقابل در یکدیگر دارند، در حالی که این بدن پیوسته فرسوده می‌شود برعکس روح دائماً تقویت می‌شود، از طریق بدن است که روح پیوسته به کمال می‌رسد و از شگفتی‌های روح این که بدن ابزاری در اختیار روح است و ارتباط شدید و دو طرفه بین این دو بعد انسان نتیجه گرفته شده است. انسانیت انسان به نفس و روح است و بدن ابزار کار نفس در امور مادی است.

کلیدواژه‌ها: ارتباط روح و بدن، روح، بدن، آیات قرآن.

۱- سطح ۲، حوزه علمیه نرجسیه (س) نورآباد ممسنی، پست الکترونیکی khadmsydyly8@gmail.com

مقدمه

از زمان‌های بسیار گذشته تا کنون، فیلسوفان بسیاری حقیقت انسان را با یک نوع ثنویت تفسیر کرده‌اند. این حکیمان آدمیان را موجوداتی می‌دانستند که در عین حال که در جهانی می‌زید که اساساً فیزیکی است؛ جهانی شکل گرفته از ذرات مادی و آرایش میان آن‌ها و قوانین فیزیکی حاکم بر آن‌ها؛ اما خود جوهری دارد که از سنخ امور یاد شده نیست. این جوهر، «نفس» یا «روح» نامیده می‌شود.^۱

قرن‌ها پیش از آن که روان‌شناسی علمی در جهان علم مطرح شود، مسئله روح و بدن، چگونگی ارتباط و نیز ماهیت و جوهر آن دو در میان فلاسفه مورد بحث بوده است. عده‌ای نمودهای روانی و پدیده‌های نفسانی را خاصیت طبیعی و عادی ترکیبات ماده دانسته و منکر هر نوع دوگانگی بین روح و بدن شده‌اند. برخی دیگر جسم و ماده را بی‌حقیقت و صرفاً نمایشی برای روح دانسته و به زعم خود از این طریق، دوگانگی روح و بدن را از میان برداشته‌اند. گروهی نیز از این تلاش‌ها دست شسته، تحقیق این موضوع را از حدود قدرت بشر خارج دانسته‌اند.^۲

در خصوص حقیقت انسان دو دیدگاه وجود دارد. کسانی که هستی را با ماده برابر می‌دانند و انسان را پدیده‌ای مادی دانسته، تمامی امور حاکم بر حقیقت انسان را پدیده‌ای کاملاً مادی تلقی می‌کنند و معتقدند با تکیه بر امور و قوانین مادی که مبتنی بر حس و تجربه است می‌توان انسان را شناخت و درباره او نظر داد. در مقابل کسانی هستند که علاوه بر بعد مادی برای انسان به حقیقتی به نام نفس معتقدند. ادیان الهی به‌ویژه دین اسلام طرفدار نظر دوم هستند. ادیان الهی معتقدند جسم و نفس و روح انسان در کنار هم حقیقت و ذات انسان را تشکیل می‌دهد. ارتباط بین نفس و بدن همواره مورد تصدیق فلاسفه بوده است؛ چرا که دیدن، شنیدن، به خاطر سپردن به یاد آوردن، فکر کردن، شاد شدن و غمگین شدن و لذت بردن و... در عین حال که اموری روانی می‌باشند، بدن در تحقق آن‌ها نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند. به گونه‌ای که اگر این تأثیر و تأثر عصبی و غددی و ماهیچه‌ای نباشد، تحقق این امور روانی امکان‌پذیر نیست. همان‌طور که امور روانی نیز تأثیر بسیار زیادی در بدن و ارگان‌سیم انسان دارد و روان‌شناسان و فیلسوفان به آن اشاره نموده‌اند.^۳

۱ - دیوانی، نفس و روح، ص ۱۲-۱۳.

۲ - مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۳، ص ۲۷۸-۲۷۹.

۳ - غروی، رابطه نفس و بدن، ص ۱.

تبیین رابطه روح و بدن از مسائل مهمی است که هنوز از مشکل‌ترین مباحث فلسفی نفس است و از مسائل بنیادین در حکمت اسلامی تبیین پیوند متقابل میان نفس و بدن است. از این رو این سؤال به طور جد مطرح می‌شود که پیوند بین نفس و بدن و ارتباط متقابل بین این دو، چگونه ممکن است، با اینکه نفس یک واقعیت غیرمادی است و بدن واقعیت مادی؟ و به دیگر سخن چگونه می‌توان بین دو جوهر بدن و نفس اینگونه ارتباط محکم و مستحکم برقرار شود؟ در این مقاله به بررسی رابطه بین روح و بدن از دیدگاه آیات قرآن می‌پردازیم.

مفهوم شناسی

روح

ریشه «ر-و-ح» یکی از پرمعناترین و قابل تأمل‌ترین ریشه‌های لغت عربی است که در سه معنای عمده به کار رفته که این هر سه معنا در ارتباط نزدیکی باهم‌اند، به طوری که گاه تشخیص این سه معنا از همدیگر مشکل است؛ بنابراین در اصل خود به معنای واحدی می‌تواند اشاره داشته باشد که در سه مرتبه یا سه نمود به کار رفته است. این سه معنای عمده عبارت‌اند از:

۱- هوا، باد و بوی خوش^۱

۲- راحتی^۲

۳- نفس (روان)^۳

در فارسی هم واژه روان، روانی و باد، دارای قرابت معنایی هستند که شباهت به واژه روح دارد. روح در قرآن کریم از ریشه «ر-و-ح» در هر سه معنا به کار رفته است.^{۴ ۵ ۶ ۷ ۸} ریح در اصل «رِوَح» بوده و «واو» به دلیل کسره ما قبل به «یاء» بدل شده است. کلماتی که سه

۱ - ابن منظور، لسان العرب، ج ۲، ص ۴۵۵.

۲ - ابن منظور، لسان العرب، ج ۲، ص ۴۶۱.

۳ - خلیل بن احمد، کتاب العین، ج ۳، ص ۲۹۱.

۴ - إِيَّيْ لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ لَوْلَا أَنْ تَفَنَّوْنَ، يوسف: ۹۴.

۵ - وَ هُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ، اعراف: ۵۷.

۶ - فَرَوْحٌ وَ رِيحَانٌ وَ جَنَّةٌ نَعِيمٌ، واقعه: ۸۹.

۷ - وَ لَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَ حِينَ تَسْرَحُونَ، نحل: ۶.

۸ - تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَ الرُّوحُ، قدر: ۴.

حرف اصلی آن‌ها «ر و ح» است، یک معنای اصلی دارند که بر انبساط و گستردگی دلالت می‌کند»^۱.

«روح» در اصل به معنی نفس کشیدن و دمیدن است؛ و بعضی از ارباب لغت معتقدند که «روح» در اصل از «ریح» مشتق شده که به معنی باد و نسیم هوا است؛ و از آنجا که روح انسان یعنی همان گوهر مستقل و مجردی که سرچشمه حیات و تفکر و اندیشه است، جوهر لطیفی است که از نظر تحرک و حیات‌بخش بودن همچون نَفَس و نسیم است، این واژه در آن به کار رفته است. به علاوه پیوند روح با بدن رابطه نزدیکی با نفس کشیدن دارد؛ لذا این کلمه در مورد روح انسان استعمال شده است.^۲

جسم (بدن)

جِسْم (به کسر جیم و سکون سین) از واژگان قرآن کریم به معنای تن است. این واژه دو بار در قرآن کریم به کار رفته است.^۳

ساحات وجودی انسان

ساحات وجودی انسان شامل دو بخش زیر می‌باشد:

الف: ظاهر

ب: باطن

مراد از ساحت ظاهر همان بدن یا جسم آدمی است و بدن از ادنی مراتب و مراحل ظهور نفس است.^۴ در واقع نفس انسان، در عین واحد بودن مراتب گوناگونی دارد و هر مرتبه پائین‌تر در حکم جسد و بدن مرتبه‌ی بالاتر است.^۵

۱ - ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، جلد ۱، ص ۴۵۲.

۲ - مکارم شیرازی، پیام قرآن، ج ۲، ص ۱۱۴.

۳ - قرشی بنابی، قاموس قرآن، ج ۲.

۴ - خمینی (ره)، آداب الصلوة، ص ۹۰.

۵ - الحکمة المتعالیة، ج ۹، ص ۹۶-۹۷.

وجوه معانی روح در قرآن

روح در قرآن به معنای امر خداوند است که همان کلمه ایجاد است و همان فعل مخصوص او بدون دخالت اسباب وجودی و مادی و تأثیرات تدریجی آن‌ها در آن است. گاهی این روح به تنهایی توصیف شده است گاهی همراه با ملائکه توصیف شده است.^۱ گاهی آن حقیقتی است که در همه انسان‌ها دمیده شده است.^۲ گاهی آن حقیقتی است که همراه با مومنان و موید آنان است.^۳ گاهی آن حقیقتی است که انبیاء با آن در تماس هستند^۴ و گاهی آن حقیقتی است که در حیوانات و گیاهان زنده وجود دارد.^۵

واژه روح و مشتقات آن در قرآن کریم ۲۱ بار ذکر شده که در کاربردهای گوناگون، ناظر به معنای یکسانی نیستند. با توجه به ظاهر و سیاق آن آیات، کاربرد این واژه در معنای گوناگون روشن می‌شود:

۱. موجودی مستقل در ردیف فرشتگان: روح در آیاتی از قرآن در کنار فرشتگان ذکر شده که دلالت می‌کند آفریده‌ای از آفریدگان خدا و غیر از فرشتگان است.^۶
۲. جبرئیل: منظور از روح‌الأمین و روح‌القدس در آیاتی که به نزول قرآن اشاره دارد، جبرئیل است.^{۷، ۸}
۳. حیات افاضه‌شده به انسان: در پاره‌ای از آیات قرآن، روح به مرتبه‌ای از وجود اطلاق شده که در پیکر انسان جریان یافته است.^۹
۴. تأییدکننده پیامبران و مؤمنان: طبق برخی آیات قرآن، از روح برای تأیید قلوب پیامبران و اولیای الهی استفاده شده است.^{۱۰}

۱ - یَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا، نباء: ۳۸.

۲ - انزل به الروح الامین علی قلبک، شعراء: ۱۹۳.

۳ - ثُمَّ سَوَّاهُ وَ نَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوْحِهِ، سجده: ۹.

۴ - اُولٰئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوْبِهِمُ الْاٰیْمٰنَ وَاٰیْمٰنِهِمْ بَرُوْحٍ مِنْهُ، انعام: ۱۲۲.

۵ - وَكَذٰلِكَ اَوْحٰنَا اِلَيْكَ رُوْحًا مِنْ اٰمْرِنَا، شوری: ۵۲.

۶ - تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِاِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ اٰمْرٍ، قدر: ۴.

۷ - قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِیْلَ فَاِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلٰی قَلْبِكَ، بقره: ۹۷.

۸ - نَزَلَ بِهٖ الرُّوحُ الْاٰمِیْنُ، شعراء: ۱۹۳.

۹ - فَاِذَا سَوَّيْتُهُ وَ نَفَخْتُ فِيْهِ مِنْ رُوْحِیْ...، حجر: ۲۹.

۱۰ - ... وَ اٰیْدِنَاہُ بِرُوْحِ الْقُدُسِ، بقره: ۸۷.

و نیز فرموده: خلقت انسان را از گل آغاز کرد^۱ و سپس نسل او را از چکیده ای از آبی بی مقدار قرار داد^۲ و سپس فرموده: ما از پیش انسان را از چکیده و خلاصه‌ای از گل آفریدیم و سپس او را نطفه‌ای در قرارگاهی محفوظ کردیم و سپس نطفه را علقه و علقه را مضغه و مضغه را استخوان کردیم، پس آن استخوان را با گوشت پوشاندیم و در آخر او را خلقتی دیگر کردیم، پس آفرین به خدا که بهترین خالقان است^۳ و بیان کرد که انسان در آغاز به جز یک جسمی طبیعی نبود و از بدو پیدایشش صورت‌هایی گوناگون به خود گرفت تا در آخر خدای تعالی همین موجود جسمانی و جامد و خمود را، خلقتی دیگر کرد که در آن خلقت انسان دارای شعور و اراده گشت، کارهایی می‌کند که کار جسم و ماده نیست، چون شعور و اراده و فکر و تصرف و تسخیر موجودات و تدبیر در امور عالم، به نقل دادن و دگرگون کردن و امثال آن از کارهایی که از اجسام و جسمانیات سر نمی‌زد نیازمند است، پس معلوم شد که روح جسمانی نیست، بخاطر اینکه موضوع و مصدر افعالی است که فعل جسم نیست.

گفته شده ارتباط روح با بدن ارتباط تدبیری است و روح تدبیرکننده بدن است.^۴ انسانیت انسان به نفس و روح است و بدن چیزی جز ابزار کار نفس در امور مادی نیست؛ اما بر اثر اتحاد روح و بدن نام روح و نفس بر بدن نیز اطلاق می‌شود. جسم هر انسانی از تولد تا مرگ، پیوسته در حال دگرگونی است و چه بسا تمامی بدن تحلیل برود و اجزایی جدید جای اجزای تحلیل رفته را بگیرند و بدن به‌طور کامل دگرگون شود؛ اما باز نامی که در دوران کودکی برای وی برگزیده شده بر او اطلاق می‌شود و این خود شاهدی قطعی است بر این که انسانیت و تشخیص انسان به نفس و روح اوست، بنابراین همه خطاب‌های قرآن به انسان در واقع ناظر به روح و روان آدمی و نه جسم و بدن او است.^۵

روح نه به صورت مظروفی در جسم وجود دارد و نه بدن به صورت قلمی است که در دست نویسنده‌ای می‌چرخد، اگر چه بدن ابزار روح به شمار می‌رود؛ بلکه نوعی تعلق و وابستگی خاص است.

۱ - بَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ، سجده: ۷.

۲ - ثُمَّ جَعَلْنَا نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ، سجده: ۷.

۳ - وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ * ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ * ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا * ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ، مومنون: ۱۲-۱۴.

۴ - محسنی قندهاری، وظائف اعضای بدن، ۱۳۷۴ ش، ص ۴۵.

۵ - طباطبایی، المیزان، ج ۱۰.

الف) روح و بدن اثر متقابل در یکدیگر دارند؛ یعنی، حالات روحی بر بدن اثر می‌گذارد. از این رو از چهره انسان تا حدودی می‌توان درک کرد که خوشحال است یا ناراحت و نظایر آن.

ب) از طریق بدن است که روح پیوسته به کمال می‌رسد و بسیاری از کمالات روحی از این راه دست می‌دهد. نظیر ملکه سخن، ملکه هنر و نویسندگی، کسب علوم و معارف از طریق گوش، چشم و

ج) در حالی که این مرکب (بدن) پیوسته فرسوده می‌شود (آنتروپی)، برعکس روح دائماً تقویت می‌شود. از این رومی بینیم یک پیر سالخورده نسبت به همان شخص در دوران نوجوانی و جوانی بسیار پخته‌تر و صاحب کمال فزون‌تر است. در حالی که بدن تحلیل رفته و پیوسته رو به فرسودگی است.

د) از شگفتی‌های روح این که بدن ابزاری است در اختیار روح، هم چون گویی برای چوگان هنگام ورزش.

آیات قرآن و احادیث اسلامی دلالت دارد که مرگ انسان به معنای فناى حقیقی او نیست؛ بلکه معنی آن جدایی روح از بدن عنصری و تعلق آن به بدن لطیف‌تر است.^۱

از جمله آیاتی که می‌توان برای این مطلب شاهد آورد، این آیه شریفه است:

«ای پیامبر! افرادی را که در راه خدا کشته می‌شوند، مرده مپندار؛ بلکه آنان زندگان‌اند که در نزد پروردگار خود روزی می‌خورند.»^۲

— یا این آیه شریفه «به آنچه خداوند از کرم خود به آنان داده است، خوشحال‌اند و به کسانی که هنوز به آنان نپیوسته‌اند بشارت می‌دهند که نه بیمی در انتظار آنان است و نه غمگین می‌شوند.»^۳

نتیجه‌گیری

تبیین رابطه روح و بدن از مسائل مهمی است که هنوز از مشکل‌ترین مباحث فلسفی نفس است و از مسائل بنیادین در حکمت اسلامی تبیین پیوند متقابل میان نفس و بدن است. آیاتی

۱ - سبحانی، معاد انسان و جهان، ص ۱۹۴.

۲ - وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ، آل عمران، ۱۶۹.

۳ - فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ، آل عمران، ۱۷۰.

از قرآن مجید به این نکته اشارت دارد که وجود انسان از دو بعد جسم و روح تشکیل شده است.

با نظر در آیات قرآن با این حقیقت روبرو می‌شویم که انسان دارای دو بعد مهم و اصلی، یعنی بعد روحانی و بعد جسمانی است. قرآن کریم در سوره سجده به خلقت انسان اشاره نموده، می‌فرماید: او همان کسی است که هر چه را آفرید نیکو آفرید و آفرینش انسان را از گل آغاز کرد؛ سپس نسل او را از عصاره ای از آب ناچیز و بی‌قدر آفرید. سپس (اندام) او را موزون ساخت و از روح خویش در وی دمید؛ و برای شما گوش و چشم‌ها و دل‌ها قرار داد؛ اما کمتر شکر نعمت‌های او را بجا می‌آورید.^۱

انسان در بدو خلقت از دو بعد شکل گرفت: ابتدا جسم او که از خاک و گل است، سپس جان و روح او که توسط خدا آفریده شد و حیات و اساس وجود انسان نیز همین روح اوست. انسانیت انسان به نفس و روح است و بدن ابزار کار نفس در امور مادی است. روح نه به صورت مظلوفی در جسم وجود دارد و نه بدن به صورت قلمی است که در دست نویسنده‌ای می‌چرخد، اگر چه بدن ابزار روح به شمار می‌رود؛ بلکه نوعی تعلق و وابستگی خاص است از جمله آنکه: روح و بدن اثر متقابل در یکدیگر دارند، در حالی که این بدن پیوسته فرسوده می‌شود برعکس روح دائماً تقویت می‌شود، از طریق بدن است که روح پیوسته به کمال می‌رسد و از شگفتی‌های روح این که بدن ابزاری در اختیار روح است.

۱- الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنسَانِ مِن طِينٍ * ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِن سُلَالَةٍ مِّن مَّاءٍ مَّهِينٍ * ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِن رُّوحِهِ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالأَبْصَرَ وَالأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ، سجده: ۷.

فهرست منابع:

*قرآن کریم

*نهج البلاغه

منابع فارسی

- ۱- آشتیانی، جلال الدین، شرح بر زادالمسافر، قم، ۱۴۲۶.
- ۲- خمینی (ره)، روح الله، آداب الصلاة، ص ۸۵، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۲۱.
- ۳- _____ انسان شناسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی، ص ۵۶-۵۷.
- ۴- دیوانی، امیر، فلسفه نفس، تألیف ویلیام دی، هارت و دیگران، انتشارات سروش، تهران، چاپ ۱، ۱۳۸۱.
- ۵- سبحانی، اصالت روح از نظر قرآن، ۱۳۹۳ ش، ص ۱۲.
- ۶- طباطبایی، المیزان، ج ۱۰، قم، بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبایی، ۱۳۶۷.
- ۷- _____ شناخت روح و نفس در قرآن و تأثیر آنها بر شخصیت انسان، ۱۴۱۷.
- ۸- سبحانی، جعفر، معاد انسان و جهان، ص ۱۹۴، مکتب اسلام.
- ۹- طبرسی، مجمع البیان، ج ۳، ۱۳۷۲.
- ۱۰- قرشی بنابی، علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۰۷.
- ۱۱- محسنی قندهاری، وظائف اعضای بدن، ۱۳۷۴ ش، ص ۴۵.
- ۱۲- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار ج ۱۳، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۷.
- ۱۳- مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ نهم، ج ۲، ۱۳۸۶.

منابع عربی

- ۱- آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی، مج ۴، ج ۵، ۱۴۱۵-۱۴۱۶.
- ۲- ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، جلد ۱، ص ۴۵۲، ۱۴۰۴.
- ۳- ابن منظور، لسان العرب، ج ۲، ۱۲۹۰.

۴- اسماعیل بن عمرو، تفسیر ابن کثیر، ج ۱، بیروت، ۱۴۱۹.

۵- خلیل بن احمد، کتاب العین، ج ۳، ص ۲۹۱.

مقاله

۱- بیابانی اسکویی، انسان در عالم اظلمه و ارواح: آیات و احادیث، حوزه‌های تخصصی

علوم اسلامی، ۱۳۸۶.

۲- غروی، محمد، رابطه نفس و بدن، حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۵.